گفت‌وگو

محمدرضا وحیدزاده، مسئول کارگروه هنر و ادبیات و پژوهشکده حوزه هنری:

# رویداد «هنر انقلاب» هنرمندان بزرگی را به جامعه معرفی کرده است

■ سمیه دهقان‌زاده

**محمدرضا وحیدزاده مسئول کارگروه هنر و ادبیات انقلاب پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی حوزه هنری با اشاره به اینکه اعتبار خریدنی نیست و باید برای آن تلاش کرد، گفت: رویداد هنر انقلاب اسلامی رویداد جوانی است و با تلاش در این سال‌ها برای کسب اعتبار، کم‌کم جای خود را در میان سایر جریان‌های مهم باز می‌کند. در ضمن نظم در فرآیند اجرا و شفافیت در داوری و پشتیبانی رسانه‌ای مناسب به اعتباربخشی هر چه بیشتر این جایزه کمک زیادی می‌کند.**

■■■

رویداد هفته هنر انقلاب اسلامی به همت حوزه هنری از سال ۹۳ تاکنون، فروردین ماه هر سال مصادف با شهادت مرتضی آوینی، چهره سال هنر انقلاب اسلامی را با توجه به شخصیت تأثیرگذار و جریان‌ساز بر اشاعه و ترویج هنر انقلاب در ابعاد ملی و بین‌المللی معرفی کرده است، چهره‌هایی که طیف گسترده‌ای از هنرمندان و پژوهشگرانی چون مرتضی سرهنگی، عبدالحمید قدیریان، مجید مجیدی و ابراهیم حاتمی‌کیا، سیدمسعود شجاعی، حسن روح‌الامین، محمدمهدی سیار، حمید حسام و وحید یامین‌پور در آن دیده می‌شود.

به همین بهانه با محمدرضا وحیدزاده، مدیر گروه ادبیات پایداری دانشگاه سوره و مسئول کارگروه هنر و ادبیات انقلاب پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی حوزه هنری درباره این رویداد به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن در ادامه می‌آید:

**هنر انقلاب اسلامی چیست و آیا این رویکرد درستی است که هنرمندان را به انقلابی و سایر مرزبندی کنیم؟**

اینگونه نامگذاری‌ها، اعتباری است و ما برای اینکه دنیای پیرامون خود را بشناسیم و ارتباط بگیریم، شروع به نامگذاری می‌کنیم.

در تاریخ هنر هم جریان‌ها، پدیده‌ها، مکاتب و حوزه‌های مختلفی هستند که برخی از پژوهشگران، نظریه‌پردازان و منتقدان آنها را نامگذاری کرده‌اند.

بعد از نامگذاری، بحث تعیین حدود پیش می‌آید. از اینجا ما وارد دوره سبک‌شناسی می‌شویم. طبق تعریف آشنا و معروفی که در حوزه سبک شناسی وجود دارد، ما در سبک‌ها با بسامد سر و کار داریم، یعنی یک ویژگی وقتی در دوره‌ای تکرار می‌شود ما آن را از دوره دیگر متمایز می‌کنیم، اینطور نیست که جریان‌ها و مکاتب هنری مختلف هیچ بده و بستانی با هم نداشته باشند، اما بالاخره یک ویژگی در یک دوران خودش را بیشتر نشان می‌دهد.

ما در دوره انقلاب اسلامی هم با توجه به اینکه وارد دوران جدیدی می‌شویم و می‌توانیم از یک گفتمان تازه حرف بزنیم که آن جریان، همه عرصه‌های پیرامون خود اعم از سیاست، فرهنگ، اجتماع را تحت تأثیر قرار داده، وقتی دقت می‌کنیم، می‌بینیم این موضوع در مورد هنر هم صدق می‌کند و ما شاهد شکل‌گیری یک جریان هنری جدی هستیم که مؤلفه‌های خاص خود را داراست؛ مؤلفه‌هایی که در این دوران، به اصطلاح سبک‌شناسی، بسامد بالاتری پیدا می‌کنند.

در این میان دو دیدگاه وجود دارد، برخی‌ها مخالف این هستند که ما چیزی به عنوان سبک و جریان هنر انقلاب اسلامی داریم و بعضی دیگر هم می‌گویند این ویژگی‌ها آنقدر متمایز و منحصر به فرد است که می‌توانیم از آن به عنوان یک سبک هنری ویژه تحت عنوان سبک هنر انقلاب اسلامی نام ببریم، من جزو گروه دوم هستم و در کتاب «سبک‌شناسی هنر انقلاب اسلامی» خود، درصدد اثبات این مسئله بودم.

من در این کتاب در پی این بودم که بگویم هنر انقلاب اسلامی، ویژگی‌های منحصر به فردی چون واقع‌گرایی، نمادگرایی، بیان‌گرایی، اسلوب‌گرایی، پراکنده‌گزین، صراحت و نفی مدرنیسم را داراست و به همین دلیل آن را می‌توان را جریان‌هایی دیگری متمایز کرد.

**نظرتان در مورد آثاری که ذیل هنر انقلاب هستند و به جریان هنر انقلاب منسوب هستند، چیست و آیا نقدی به آنها دارید؟**

من به عنوان پژوهشگر با روش صورتگرایی به سبک‌شناسی پرداخته‌ام، در این روش آنقدرها با ویژگی‌های محتوایی و مضمونی کاری نداریم و با ویژگی‌های فرمی سر و کار داریم و در سبک شناسی خیلی وارد حوزه نقد نشده و فقط ویژگی‌ها را توصیف می‌کنیم، اما در مقام منتقد دیگر رویکرد توصیفی ندارم و انتظاراتی دارم که براساس آنها آثار را محک می‌زنم.

> رویداد هنر انقلاب اسلامی در این سال‌ها درصدد کسب اعتبار بوده است و رقابت جالبی شکل گرفته و هنرمندان بزرگی به عنوان چهره هنرمند انقلاب اسلامی معرفی شده‌اند که برایشان این برگزیده‌شدن خوشایند بوده است

وقتی هنرمندی تعداد درخور و پرتکراری از آثارش درباره انقلاب اسلامی و در فضای هنر انقلاب اسلامی است آن هنرمندان را هنرمند انقلاب اسلامی می‌دانیم، کما اینکه ممکن است چند اثر شخصی هم داشته باشد.

اما نکته مهم این است ما معتقد هستیم که هنرمند انقلاب اسلامی با موضوع به جریان انقلاب اسلامی نزدیک نمی‌شود، بلکه با موضعش به هنر انقلاب اسلامی ربط پیدا می‌کند، اینطور نیست که هنرمند انقلاب اسلامی صرفاً در مورد تاریخ انقلاب اسلامی و جنگ و وقایع مرتبط با انقلاب اسلامی اثر خلق کند، بلکه ممکن است اثری در مورد زندگی یا عشق خلق کند، اما دیدگاه هنرمند انقلاب اسلامی است که پرداخت این مسائل را بسیار متفاوت از سایر هنرمندان می‌کند.

البته ممکن است در یک مقطع همان هنرمند نگاهش تغییر کند یا با رویکرد متفاوتی به تولید اثر بپردازد. مثلاً کارگردانی مثل ابراهیم حاتمی‌کیا که چهره شاخص هنر انقلاب اسلامی هم شناخته شده و عمده آثارش به عنوان آثار برجسته هنر انقلاب اسلامی مطرح می‌شود، در کنار بقیه آثارش، فیلمی به اسم «دعوت» هم ساخته است که در آن دغدغه سقط جنین را مطرح می‌کند، اما خود ایشان و برخی از منتقدان می‌گویند حاتمی‌کیا در دعوت هم همان حاتمی‌کیای قبلی است و اینجا هم ما با یک آدم انقلابی روبه‌رو هستیم که علیه چیزی عصیان می‌کند و از چیزی که به آن باور دارد- کما اینکه آن موضوع خاصی مثل سقط جنین باشد- دفاع می‌کند. این منتقدان معتقدند حاتمی‌کیا در این فیلم هم یک کارگردان انقلابی است.

با این وجود، حتی اگر تلقی گروهی دیگر که فیلم «دعوت» را اثری متفاوت در کارنامه هنری حاتمی‌کیا می‌دانند، بپذیریم، باز هم با ساخت یک، دو یا چند «دعوت» دیگر هم تغییری در هویت ابراهیم حاتمی‌کیا به عنوان هنرمند انقلاب اسلامی رخ نمی‌دهد، چراکه ما با بسامد و تکرار آثار در تعریف هنرمند انقلاب اسلامی کار داریم و این میزان از تکرار آنقدر قابل اعتنا نیست که هنرمند با آن تغییر هویت دهد.

در مثال ساده، درخت به صرف تغییر چند برگ، تغییر هویت نمی‌دهد و همچنان درخت باقی می‌ماند، اما در مواقعی می‌بینیم که تکرار این تغییرات به قدری زیاد است که از یک جایی به بعد دیگر نمی‌توان به آن درخت، درخت بگوییم، مثلاً درختی که در بیابانی برگ‌هایش ریخته و ریشه‌اش خشک شده و تنه‌اش هم سوخته است، دیگر خبری از طراوت و تازگی در آن نیست و مثلاً تبدیل به زغال شده و تغییر ماهیت و کارکرد داده است.

شبیه تغییری که آن را در مسیر هنری محسن مخملباف می‌توان دید، او در دهه ۶۰ هنرمند برجسته هنر انقلاب اسلامی بود، اما در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ با بسامد و تکرار آثار استحاله شده در کارنامه هنری‌اش، تغییر ماهیت داد و دیگر هنرمند انقلاب اسلامی به حساب نیامد.

**با توجه به نزدیک شدن به هفته هنر انقلاب اسلامی و انتخاب چهره سال هنر انقلاب، این رویداد را چه میزان در گسترش هنر انقلاب اسلامی تأثیرگذار می‌دانید و مهم‌تر اینکه چه لزومی دارد که طی یک دهه اخیر چهره سال هنر انقلاب اسلامی معرفی شود؟**

این موضوع، موضوع ابداعی حوزه هنری نیست، همه فرهنگ‌ها و جوامع مختلف سعی می‌کنند از چیزی که فکر می‌کنند، برایشان ارزشمند است حمایت و الگوسازی کنند و به عناوین مختلف این کار را انجام می‌دهند.

> هنرمند انقلاب اسلامی با موضوع به جریان انقلاب اسلامی نزدیک نمی‌شود، بلکه با موضعش به هنر انقلاب ربط پیدا می‌کند دیدگاه هنرمند انقلاب است که پرداخت این مسائل را بسیار متفاوت از سایر هنرمندان می‌کند

بعضی اوقات ممکن است جایزه یا رویداد در ظاهر اسم و مرزبندی متمایزی هم نداشته باشد و اسم خیلی کلی باشد، اما اتفاقاً مرزبندی‌هایش بسیار دقیق، مشخص و کاملاً خط‌کشی شده است و کسانی که آن رویداد را پیش می‌بردند، نسبت به آن جریان و رویداد خیلی غیور هستند و دقت دارند چیزی خارج از خط‌کشی‌هایشان وارد و خارج نشود. این رویکرد بدی هم نیست و در سیاستگذاری فرهنگی باید به آن توجه کرد.

مثلاً جایزه اسکار با اعتبار جهانی، آثار برتر هر سال را براساس ویژگی و رویکردهای مدنظرش معرفی کرده و از آنها تقدیر می‌کند و این کار را وظیفه خود می‌دانند و در طولانی‌مدت باعث پالوده‌شدن جریان هنری مدنظر این جایزه و رویداد می‌شود و هم هنرمندان و هم مخاطب قدم‌های دقیق‌تری در این جهت برمی‌دارند. البته باز هم اینها امری نسبی است و بسیاری از آثار ارزشمند وجود دارد که از سوی منتقدان، رسانه‌ها و جایزه و رویدادها به آن توجه کافی نشده است، اما بالاخره جوایز یک حدی از توجه را نصیب آثار می‌کنند.

حالا حوزه هنری هم به عنوان متولی هنر انقلاب اسلامی و با چنین ماهیتی می‌آید و می‌گوید، می‌خواهم از جریان هنری که مربوط به من است حمایت کنم و چهره‌های برتر هنر انقلاب اسلامی را معرفی کنم.

اما نکته مهم دیگر این است که این رویداد تا چه میزان تأثیرگذار است، این موضوع ساده‌ای نیست، چراکه اعتبار خریدنی نیست، به سادگی به دست نمی‌آید و باید برایش تلاش کرد؛ تلاشی که به امور مختلفی چون قدمت و سال‌های متمادی برگزاری رویداد، برخورد رسانه، نظم برگزاری، مبلغ جایزه، گستره جایزه، نام و اعتبار داوران رویداد یا حتی هنرمندان برگزیده دوره‌های پیشین یک رویداد بستگی دارد.

رویداد هنر انقلاب اسلامی هم در این سال‌ها درصدد کسب اعتبار بوده است و رقابت جالبی شکل گرفته و هنرمندان بزرگی به عنوان چهره هنرمند انقلاب اسلامی معرفی شده‌اند که برایشان این برگزیده‌شدن خوشایند بوده، اما رویداد هنر انقلاب اسلامی، همچنان رویداد جوانی است و هم موفقیت و در مواقعی اشتباهاتی هم داشته است و کم‌کم دارد جای خود را در میان سایر رویدادهای مهم باز می‌کند.

در ضمن معتقدم، نظم در فرآیند اجرا و شفافیت در داوری و پشتیبانی رسانه‌ای مناسب به اعتباربخشی هر چه بیشتر این جایزه کمک زیادی می‌کند و اینکه کار مقطعی نباشد و ما فقط در هفته هنر انقلاب به سراغ هنرمندان این جریان نرویم و در طول سال نیز پیگیر و مرتبط و حامی آنها باشیم.

سینما

اندر احوالات آپاراتچی بر پرده نقره‌ای

## سینما شغل من نیست عشق منه!

■ سمیه دهقان‌زاده

**در اکران نوروزی این روزها، فیلم «آپاراتچی» با روایتی ساده و صمیمی، داستان آقا جلیل عشق سینما را در تبریز دهه ۶۰ روایت می‌کند؛ فیلمی که نقطه عطفی از جنس متفاوت در عرصه گویش‌ها را به مخاطب ارائه می‌دهد.**

■■■

«سینما شغل من نیست، عشق منه» این را آقا جلیل قصه آپاراتچی می‌گوید، او که یک نقاش ساده ساختمان، اما دلداده سینماست و هر کاری می‌کند تا فیلم بلندش «نوری از تاریکی» را بسازد.

داستانی که در فیلم «آپاراتچی» با روایتی طنازانه - نقادانه و با نگاه به کتاب خاطرات شفاهی «جلیل طایفی» برای مخاطب تصویر می‌شود.

فیلمی که بعد از اکران در چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر و کسب سیمرغ بلورین جایزه ویژه هیئت داوران فیلم اولی، از روزهای پایانی سال گذشته روی پرده رفته و اکران نوروزی نصیبش شده است.

فیلم «آپاراتچی» اولین ساخته بلند سینمایی «علی طاهرفر» محصول سازمان سازمان سینمایی سوره است. گرچه طاهرفر طبق قوانین جشنواره یک فیلم اولی محسوب می‌شود، اما او ساخت فیلم «خاک آشنا» در سال ۷۲، مجموعه تلویزیونی «سحرخیزان کوچک»، فیلم «ترمینال غرب» برنده فانوس هفتمین جشنواره عمار، نویسندگی و کارگردانی چهار فیلم بلند تلویزیونی، کارگردانی بیش از ۱۰ فیلم کوتاه و ساخت بیش از ۱۰ عنوان مستند را در کارنامه هنری خود دارد و در فجر ۴۲ نیز سرانجام توانست اولین فیلم بلند سینمایی خود را بسازد، سرانجامی که هم در جشنواره و هم در اکران عمومی نوید آغاز امیدبخشی در سیر فیلمسازی این کارگردان است، چراکه این فیلم در جدیدترین گزارش فروش در گیشه، ۴۳ هزار مخاطب داشته و گیشه آن ۲میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان بوده است. ۳۵ هزار مخاطب با ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان فروش مربوط به فروش امسال این فیلم است و این آمار «آپاراتچی» را در مقام سوم اکران‌های نوروزی قرار می‌دهد که در جای خود قابل توجه است.

«آپاراتچی» در فراز و فرود، نمکین بودن حوادث و گره‌افکنی و گره‌گشایی و روایت ساده و صمیمی در فضا و اتمسفر تبریز قدیم موفق بوده گرچه می‌توانست در تدوین و پایان‌بندی بهتر از این حرف‌ها ظاهر شود، اما به نظر نگارنده نقطه عطف این فیلم، بهره‌گیری از لهجه ترکی در زبان فارسی است.

«طاهرفر» درباره این موضوع می‌گوید: زبان فیلم «آپاراتچی» به خاطر عموم مخاطبان، باید از مرز گویش ترکی می‌گذشت و دوست داشتیم لهجه شیرین ترکی را در زبان فارسی در فیلم لحاظ کنیم، بنابراین به این ویژگی خاص رسیدیم که هسته مرکزی بازیگران‌مان ترک زبان باشند.

این هسته اصلی بازیگران فیلم را از بین جمعیتی از بازیگران ترک زبان از سراسر ایران، تبریز، اردبیل و زنجان تا تالش و همدان انتخاب کردیم و به نظرم به ترکیبی رویایی از بازیگران رسیدیم و آنها بازی‌هایی شیرین و به یاد ماندنی را ارائه دادند.

وی در ادامه توضیحاتش می‌گوید: همه گروه بازیگران ما تمرین و ممارست فوق‌العاده‌ای داشتند. من ترک زبان‌ها را می‌آوردم و در حضور آنها دورخوانی را انجام می‌دادیم و بعد نظرشان را می‌پرسیدم که شما به این دورخوانی گوش دادید، آیا لهجه بیرون زده بود یا خیر؟ که جواب می‌دادند نه لهجه خیلی شیرین شده است.

بعد از آن در دورخوانی بعدی، یک گروه فارس زبان را می‌آوردم و از آنها می‌پرسیدم، آیا این لهجه شما را اذیت نمی‌کند، لحن و بیان بازیگران درست، خوشایند و حرفه‌ای است و آنها هم کیفیت مناسب و خوب لهجه را از دیدگاه خودشان تأیید می‌کردند.

این دقیقاً فرآیندی است که بر این نقطه عطف شیرین صحه می‌گذارد، اما باید صبر کرد و دید این فیلم در ادامه اکران نوروزی چگونه ظاهر شده و تا چه زمانی بر پرده نقره‌ای باقی می‌ماند.

هنر

کارگردان عکس صحنه‌پردازی شده بر دیوارنگاره میدان انقلاب

# «وارثین» ملهم از قرآن و روایت حضرت موسی (ع) تا طوفان‌الاقصی است

■ ناهید منصوری

**«احسان باقری» کارگردان عکس صحنه‌پردازی شده وارثین با بیان اینکه در این عکس از قرآن الهام گرفته است، گفت از همان زمان وقوع طوفان الاقصی مدام فکر می‌کردم که وظیفه من به عنوان یک هنرمند چیست، سرانجام ایده‌ای به ذهنم رسید که اقتباسی از داستان سپردن حضرت موسی به آب در قرآن کریم است.**

■■■

«وارثین»، نام عکس صحنه‌پردازی شده‌ای است که آخرین جمعه ماه مبارک رمضان امسال در بزرگداشت مقاومت ملت مظلوم فلسطین در طوفان الاقصی رونمایی شد.

این عکس با زبانی بین‌المللی مقاومت مجاهدانه مردم فلسطین را به مجاهدت‌های پیامبران الهی پیوند می‌زند و روایتی متفاوت از این مقاومت عظیم ارائه می‌کند. عکس صحنه‌پردازی شده «وارثین» به کارگردانی سیداحسان باقری و با حمایت حوزه هنری انقلاب اسلامی و همکاری دهها هنرمند تهیه شده است.

حال «وارثین» بر بزرگ‌ترین دیوار نگاره کشور در میدان انقلاب اسلامی اکران شده، از این باب با «احسان باقری» کارگردان این عکس صحنه‌پردازی شده به گفت‌وگو نشستیم تا از کم و کیف این اثر هنری آگاه شویم که مشروح آن در ادامه می‌آید:

**چرا و چه زمانی به ایده صحنه‌پردازی عکس «وارثین» رسیدید؟**

کار تقریباً از شش ماه پیش و با آغاز ماجرای طوفان‌الاقصی شروع شد. صحنه‌های دردناک و اتفاقاتی که افتاده و همچنان در حال وقوع است هر انسانی را وادار به واکنش می‌کند و این خود یک وظیفه وجدانی، دینی و فکری را ایجاد می‌کند، البته فارغ از آن واکنش درباره این جنایت و فجایع بعد از آن یک وظیفه انسانی است.

من هم از همان زمان وقوع ماجرا مدام فکر می‌کردم که وظیفه من به عنوان یک هنرمند چیست و چه کاری می‌توانم انجام دهم، سرانجام ایده‌ای به ذهنم رسید که اقتباسی از تصویری که قرآن کریم در مورد داستان سپردن حضرت موسی به آب است و اتفاقاتی که در سوره قصص آمده، براساس همین اشارات در عکس صحنه‌پردازی شده وارثین از قرآن الهام گرفتم.

**در چه بازه زمانی و چگونه عکس وارثین صحنه‌پردازی شد؟**

تا زمانی که پیش مقدمات انجام این کار را فراهم کنم، وقایع مختلفی در غزه اتفاق می‌افتد و بالاخره بعد از گذشت دو و نیم ماه ما توانستیم کار را شروع کنیم.

صحنه‌پردازی عکس با پیش تولید، دو ماه و نیم زمان برد، دو هفته‌ای هم پس تولید آن طول کشید و سرانجام کار بعد از دو ماه آماده شد و منتظر فرصت مناسبی برای رونمایی آن بودیم تا اینکه روز قدس برای این کار مشخص شد.

در این عکس صحنه‌پردازی شده، ضمن اینکه تلاش شده یک خط داستانی اصلی دنبال شود و در کنارش، حدود ۱۵ واقعه، شخصیت و تصویر مهم از ماجرای طوفان‌الاقصی را هم آوردیم. ما در این عکس شخصیت‌ها و اتفاقات مهم وایرال و دیده شده در جهان را داریم؛ شخصیت‌هایی که در این اتفاق در خط مقدم بودند، روایتگری کردند و تبدیل به یک نماد شدند از «وائل دحدوح» خبرنگار الجزیره در غزه که همه خانواده‌اش شهید شدند گرفته تا کسانی که عکس‌هایشان دنیا را تکان داد مثل مادری که فرزندش در آغوش گرفته بود و صورت او را نمی‌دیدیم و مردی که جسد بی‌جان عکس گرفته بود.

> در این عکس صحنه‌پردازی شده، ضمن اینکه تلاش شده یک خط داستانی اصلی دنبال شود و در کنارش، حدود ۱۵ واقعه، شخصیت و تصویر مهم از ماجرای طوفان‌الاقصی را هم آوردیم. ما در این عکس شخصیت‌ها و اتفاقات مهم وایرال و دیده شده در جهان را داریم

**از جزئیات، مشکلات و شیرینی‌های نهایی شدن عکس وارثین بگویید؟**

یکی از معضلات ما در صحنه‌پردازی این عکس، لوکیشن و کمبود آب بود. ما نمی‌توانستیم خیلی از تهران فاصله بگیریم و قبل از اینکه حوزه هنری پای کار بیاید و آن زمان این کار در حد ایده در ذهنم بود من در پاییز در اطراف تهران، دنبال مکانی بودم که ما بتوانیم جریان آب داشته باشیم. جایی که حداقل‌هایی برای پشت صحنه تصویر لازم داریم را داشته باشد، اما جای مناسب پیدا نمی‌شد، در نهایت ورودی سد لتیان را پیدا کردیم و مجبور شدیم جلوی آب را با لودر ببندیم تا سطح آب بالا بیاید و برای کار ما مناسب باشد. در این کار ۳۰۰ هنرور حضور داشت. برخی‌ها نقش‌های کلیدی‌تر و گریم داشتند؛ مثل شیخ احمد یاسین شهید بزرگ مقاومت، شخصیت خبرنگاران یا شخصیت‌هایی که باید دقیقاً بازسازی می‌شدند، برخی دیگر هم برای بازسازی صحنه حاضر و ما را کمک می‌کردند.

**حرف پایانی**

امیدوارم خداوند بزرگ به این کار برای همراهی و همدردی مردم ایران با مردم فلسطین برکت دهد. آرزوی و دعای همه ما در شب‌های قدر این بود که ان‌شاءالله طومار این رژیم کودک‌کش در هم پیچیده شود و ما بتوانیم آزادی قدس را ببینیم و وعده قرآن محقق شود و زمین به وارثین حقیقی خود برگردد.